



- تئاتر و دین
- گابریل مارسل
- ترجمه جلال ستاری
- انتشارات نمایش، ۱۳۸۱

گابریل مارسل، فیلسوف و درام‌نویس و منتقد تئاتر که از سال ۱۹۲۹ به عنوان یک کاتولیک مذهب جدی، به تبلیغ هنر دینی همچون پل کلودل پرداخت. در عالم فلسفه نیز او را می‌توان از شاخص‌ترین فیلسوفان اگزیستانسیالیسم مسیحی فرانسه دانست. او بدینی اگزیستانسیالیسم ملحدانه را مردود دانسته و برای حکمت متعالیه و خداشناسی انسان مقامی ارجمند قائل بود. او در مورد وجود عینی انسان متعهد در جهان و در ارتباط با دیگران رمز و راز موجود را برتر از همه چیزهایی می‌دانست که انسان می‌تواند به دست آورد و از دست بدهد و در واقع اصل راه بودن نهاد و نه داشتن.

اثر حاضر مشتمل بر دو سخنرانی از اوست که ضمن رعایت شیوه گفتاری گابریل مارسل سعی شده است حرکت اندیشه‌ی گوینده به خوبی ارایه شود. مترجم گرامی این دو سخنرانی از فیلسوف درام‌نویس و منتقد تئاتر که دین‌باور نیز می‌باشد را قابل ملاحظه می‌داند، اما در عین حال، ترجمه حاضر را به معنای پذیرش قطعی همه نظریات و آراء مارسل نمی‌داند به همین جهت در پایان دفتر، مطلبی با عنوان هنر دینی برای رفع هرگونه سوءفهم ارایه داده است.

دین و کفرگویی در تئاتر معاصر فرانسه و مفهوم درام مسیحی و ارتباطش با تئاتر کنونی عنوانین دو سخنرانی ایراد شده است. مارسل در بخشی از سخنرانی نخست خود می‌گوید: «اینک باید به مسئله‌ای بپردازم که آن را رویه سیاه این موضوع بزرگ، تئاتر دینی می‌نامم و در این مورد نیز باید سخن را با بررسی‌ای تاریخی آغاز کرد. من تردید نکردم که واژه کفرگویی (blaspheme) را در عنوان سخنرانی‌ام، بگنجانم، هرچند که این صفت فقط در باب شمار اندکی از آثار درامی صادق هدایت است. اما خواستم بدین وسیله خاطر نشان کنم که این‌گونه تئاتر دست‌کم به طور کلی، بسیار متفاوت با خداشناسی و الحادی (atheisme) است که در قرن ۱۹ در ادبیات و به ندرت در تئاتر نقش بست. در این مورد نیز باید به مردانی چون فرانسوا دوکولر رجوع کرد و در این صورت ملاحظه خواهیم کرد که آنان به نوعی اگنوستیسیسم (agnosticisme) گاه نیشدار و سخریه‌آمیز قائل بودند و از این قبیل است به عنوان مثال نمایشنامه Ameen folie».

مترجم نیز در بحث هنر دینی با این سؤال شروع می‌کند که از بیان اصطلاح هنر دینی، چه چیزی مراد است؟ و منظور از هنر دینی چیست؟ آیا مقصود هنری (تبلیغی) است که موضوعش «دین» به معنای شریعت و البته در نهایت کتاب و سنت است؟ وی با بیان اینکه موضوع هنر، ممکن است دینی یعنی داستانی، واقعه‌ای فرحبخش یا دردناک از دین باشد، این سؤال را مطرح می‌کند که آیا هر قطعه موسیقی و پرده نقاشی و... که موضوع دینی دارد به راستی هنر دینی است؟ و در جواب می‌گوید به گمان من نه، چرا که بسیار افراد ادعای خلق اثر هنری کرده‌اند اما هنرشان تنها با موضوع دینی همراه است، و روح و جان بیننده و خواننده و شنونده را به شور وانی دارد و به واقع بیننده را از مرتبه‌ای به مرتبه‌ای دیگر که با مرتبه قبلی از لحاظ کیفی متفاوت باشد نمی‌برد.

در بخشی دیگر در اشاره به ابزار بیان هنر دینی می‌گوید: «در وهله نخست زبانی رمزی است و رمز، زبان خاص اسطوره و قصه است. بنابراین هنرمندی که دعوی خلق اثری دینی دارد، ناگزیر از شناخت اندیشه رمزی و ساختار منطق اسطوره است و آنکه از این ضرورت غافل باشد، چنان است که گویی هرگز خواب ندیده است!... به علاوه رمز، کم می‌گوید اما گزیده می‌گوید و با صرفه‌جویی تمام، لب مطلب را می‌رساند. پرگویی و روده‌درازی و به حاشیه رفتن و ذکر توضیحات اضافی و ملال‌انگیز، غالباً دال بر روشن نبودن اندیشه هنرمند و یا ناتوانیش در ادای مقصود، به گونه‌ای اثرگذار است. شناخت رمز و توانایی در کاربردش (رمزشناسی و نه رمزتراشی)، وسیله افاده مرام در هرگونه هنریست که در چنبره روزمرگی و مصرف روز نیفتاده است، و هنر دینی به طریق اولی باید چنین باشد.» ستاری در ادامه، در باب خلق هنر دینی به زبان امروزی و با ذکر فیلم Je Vous salue Marie اثر ژان لوک گدار که در آن حضرت مریم در سیمای دختری امروزی نشان داده می‌شود، قصد آن دارد که بگوید هنرمند اگر اندیشه‌ها و حتی جزئیات دینی را به زبانی نو یعنی امروزی و در عین حفظ امانت یعنی وفاداری به روح مطلب و جان کلام، بیان کند، مخاطبان مشتاق بیشتری خواهد یافت و برعکس آن، به جای جلب و جذب مردم، دفع‌شان می‌کند. وی معتقد است هنر دینی اخص از سنت است و اگر تنها به نمایش و بیان مناسک و شعائر محدود شود از ایفای نقش اصلی خود که همانا تلطیف جان و تربیت نفس و ذوق است باز خواهد ماند و باید اندیشه‌های دینی در قالب داستان‌های نیمه تخیلی، نیمه واقعی بسط و شرح داده شود، آنچنان که عطار در منطق الطیر کرده است.